



فرهنگی

شنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۷ / شماره ۳۰۲

اخبار

زخم شمشیر، بازیگران شاه لیر را بیمه کرد



کارگردان نمایش شاه‌لیر گفت، با زخمی شدن بازیگر نقش ادموند در این نمایش، بازیگران شاه لیر تا آخرین روز اجرا بیمه می‌شوند.

مسعود دلخواه که این شبها نمایش شاه لیر را در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه می‌برد، در گفت‌وگو با ایسنا ضمن تایید آسیب دیدن محمدرضا علی‌اکبری، بازیگر نقش ادموند روی صحنه و زخمی شدن پیشانی او با شمشیر در حین اجرای شب ۲۱ آذر، بیان کرد: علاوه بر این اتفاق در اجرای همان شب، مجید قنبری بازیگر نقش یکی از شوالیه‌ها نیز دچار افت فشار شد، به همین دلیل تصمیم گرفتیم تمام اعضای گروه تا پایان اجرا بیمه شوند.

او تاکید کرد: بنابراین اکنون در حال مذاکره با یکی از شرکت‌های بیمه هستیم تا همه ۱۰۰ نفر بازیگر این تئاتر بیمه شوند.

این کارگردان با بیان این‌که در اجرای پنجشنبه ۲۲ آذرماه نیز به دلیل تجویز پزشک، علی اکبری بازیگر نقش ادموند به دلیل آسیب وارد شده، اجرا نداشت، افزود: خوشبختانه خطر زیاد جدی نیست، فقط وی باید چند روز دیگر استراحت کند، اما هیچ کم نمی‌تواند جای او را بگیرد و امیدواریم تا چند روز آینده به اجرای خود برگردد.

دلخواه با بیان این‌که در اجرای شب گذشته که با نیم ساعت تاخیر نیز آغاز شد و از همه تماشاگران غنرخواهی کرده و علت تغییر بازیگر را توضیح داده است، افزود: به جای علی‌اکبری، بازیگر رزو نقش ادموند سجاد بابایی با متن روی صحنه رفت و خواش خود را اجرا کرد.

به گزارش ایسنا، نمایش شاه لیر با مدت زمان سه ساعت با بازی مهدی سلطانی، الهام پایونزاده، بهار رهنما، خسرو شهراز، رحیم نوروزی، محمداصحاق ملک، ناصر عاشوری، محمدرضا علی اکبری، حمیدرضا هدایتی، محمد صدیقی مهر، محبوبه تفضلی، یلدا قشقایی، سجاد بابایی، محمد صادقی، امیرحسین سرداریان، حسین ابراهیمی، سعید ظغمی، سپاس رضایی، افشین حسینی، فرید غفاری، محمد پیرالیاس، رضا ایزدخواه، منصور تمیزی فر، حمیدرضا جهانگیری، سعید مصطفایی، میلاد پاک سرشت، حامد عباس پور، حامد آرامی، مجید قنبری، سرا خسروی و الهام قندهاری از مدتی قبل روی صحنه رفته است.

هنرمندان تئاتر خیابانی چشم به جشنواره‌ها دوخته‌اند

کارگردان نمایش‌های خیابانی گفت: این بخش از تئاتر گیشه فروش بلیت ندارد و هنرمندان فقط به موفقیت در جشنواره‌ها چشم می‌دوزند. میلاد حسین‌زاده در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا با بیان اینکه تئاتر خیابانی از هیچ سو حمایت نمی‌شود، اظهار داشت: چون نمایش خیابانی گیشه فروش بلیت ندارد، باید از حمایت مالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برخوردار باشد اما این اتفاق نمی‌افتد و ما باید در انتظار برگزیده شدن در جشنواره‌ها باشیم.

وی با بیان اینکه هزینه سفر و انتقال وسایل اجرا از شهری به شهر دیگر طی سال‌های گذشته افزایش چند برابری داشته است، خاطر‌نشان کرد: این در حالی است که نتخواه جشنواره‌ها برای گروه‌های نمایشی تغییری نکرده و این موضوع بر روند اجرای یک نمایش تاثیرگذار است.

حسین‌زاده با بیان اینکه در صورت حل مشکلات مالی، نمایش‌های خیابانی کیفیت بیشتری پیدا می‌کنند، تصریح کرد: به عنوان یک نویسنده و کارگردان وقتی به اجرا در جشنواره‌ها فکر می‌کنم، مجبور می‌شوم که برای کاهش هزینه از تعداد بازیگران کم کرده و دچار خودسانسوری می‌شوم. این در حالی است که اگر هزینه‌ها تامین شده باشد، با خیالی آسوده بر بهتر شدن اجرای نمایش تمرکز خواهیم کرد.

کارگردان نمایش «درها به روی که باز می‌شوند؟» با بیان اینکه این نمایش با دید تکراری به دفاع مقدس نگاه نکرده است، اظهار داشت: مقاومت را در زندگی امروز به لحاظ علمی، اقتصادی و حمایت از کالای ایرانی و تولید ملی در این اجرا به نمایش می‌گذاریم.

وی با اشاره به راهیابی نمایش «درها به روی که باز می‌شوند؟» به جشنواره تئاتر فجر، تاکید کرد: خروجی موفق از یک جشنواره که باعث شود نتیجه زحمات خود را ببینید بسیار اتفاق خوبی است و این اتفاق حاصل همکاری گروهی و مشارکت ۱۰ ساله ما در تولید یک نمایش است.

نمایش خیابانی «درها به روی که باز می‌شوند؟» به عنوان نمایش برگزیده از شانزدهمین جشنواره سراسری تئاتر مقاومت به سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر راه یافت.

آغاز به کار نخستین جشنواره بین‌الملل کتاب کودک و نوجوان کاشان

نخستین جشنواره ادبیات کودک و نوجوان کاشان که با حضور ۵۰ نویسنده، شاعر و تصویرگر ادبیات کودک همراه بود، با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نخستین روز خود را به اتمام رساند. به گزارش ایسنا، در نخستین روز از جشنواره ادبیات کودک و نوجوان کاشان، سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن دیدار با نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان در آیین بهره‌برداری از حمام‌خان کاشان شرکت کرد. سید عباس صالحی در دیدار با نماینده ولی فقیه و امام جمعه کاشان، این شهر را دارالمؤمنین خواند و گفت: کاشان در حوزه علم، ادبیات، علوم انسانی، عرفان و… در زمره شهرهای مطرح است. این شهر در سال ۹۷ به‌اعتبار ویژگی‌هایی که در آن است به عنوان پایتخت کتاب ایران معرفی شده است و تلاش خوبی را برای دفاع از این عنوان دارد.

باز هم افراطی گری روزنامه کیهان

تبلیغ فرح یا تخریب شاملو؟!



جا دارد چند نکته دیگر و غالباً معطوف به تاریخ معاصر هم گفته شود:
۱. ویژه‌نامه همشهری دربارهٔ «شعر» است. آیا کیهان در شاعر بودن شاملو تردید دارد؟
با این حساب اگر دربارهٔ فروع بنویسند اتهامی دیگر را مطرح می‌کنند و اگر دربارهٔ سهراب سپهری لاید می‌گویند بودایی بوده و اگر مهدی اخوان ثالث، بحث نام فرزند او و علاقه به زرتشت و مزدک را پیش می‌کشند. به بهانهٔ شعر به کدام شاعر بپردازند تا صدای کیهان‌رنیاد؟

شاعران پیش از انقلاب یا غیر ایدئولوژیک که جای خود دارند. کیهان بعد از ۸۸ آیا سهیل محمودی و ساعد باقری را هم طرد نکرده است؟ همین خدابایم‌ز ابوالفضل زرویی نصرآباد مگر منزوی نشده و به گوشهٔ روستایی پناه نبرده بود؟ شاعر معاصر مورد تأییدشان کیست که به بهانهٔ آن بتوان به شعر پرداخت؟

جدای این دربارهٔ شعر می توان گفت جایگاه آن نزد ایرانیان چنان

است که از خود شاعر- هر دیدگاهی دربارهٔ سرایندهٔ شعر داشته باشیم- از شاعر بالاتر می‌نشیند. منفرورتر از یزید در فرهنگ ایرانی کیست؟ بی گمان هیچ‌کس! محبوب‌تر از حافظ در شاعران ما کیست؟ شاید هیچ‌کس! اما همین حافظ، شعری منسوب به یزید را در آغاز دیوان خود می‌آورد یا دست‌کم چنین شایبه‌ای وجود دارد. آیا گردی بر دامان حافظ می‌نشیند؟ نه! از یزید می‌شود نقل کرد و از شاملو نمی‌شود! هوبت ایران با شعر آمیخته است. فرهنگ ایران یعنی شعر. چرا برخی متوجه

این نکتهٔ فارغ از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی نیستند؟
۲. چنان که خود کیهان نوشتهٔ اتهام جاسوسی مربوط به دوره نوجوانی است و شاملو ۵۷پنجاه و هفت هشت سال بعد از آن هم زندگی کرده و کنش و واکنش داشته است. ضمن این که به خاطر نفرت مردم ایران از روس و انگلیس به هر نیروی خارجی که علیه این بودود گرایش داشتند. تبلیغ آلمان‌ها هم به این دلیل ساده بود که علیه روس و انگلیس بودند و شاعر بارها گفته جان و خام بودیم و مانند او فراوان بودند.

در بلشوی پس از جنگ جهانی اول حتی چهره‌هایی چون سید حسن مدرس هم این گرایش را داشتند و مثلاً در کرمانشاه دولت موقت تشکیل دادند و آلمان ها هم که متحد عثمانی‌ها شده بودند از این دولت حمایت کردند. اعضای این دولت موقت شامل مرحوم مدرس و آقا شریعتی هم بودند و او خود بعدها در مجلس در این باره توضیح داد. (در مجلس چهارم و با اشاره به سلیمان میرزا،

جا دارد چند نکته دیگر و غالباً معطوف به تاریخ معاصر هم گفته شود:

۱. ویژه‌نامه همشهری دربارهٔ «شعر» است. آیا کیهان در شاعر بودن شاملو تردید دارد؟
با این حساب اگر دربارهٔ فروع بنویسند اتهامی دیگر را مطرح می‌کنند و اگر دربارهٔ سهراب سپهری لاید می‌گویند بودایی بوده و اگر مهدی اخوان ثالث، بحث نام فرزند او و علاقه به زرتشت و مزدک را پیش می‌کشند. به بهانهٔ شعر به کدام شاعر بپردازند تا صدای کیهان‌رنیاد؟

شاعران پیش از انقلاب یا غیر ایدئولوژیک که جای خود دارند. کیهان بعد از ۸۸ آیا سهیل محمودی و ساعد باقری را هم طرد نکرده است؟

همین خدابایم‌ز ابوالفضل زرویی نصرآباد مگر منزوی نشده و به گوشهٔ روستایی پناه نبرده بود؟ شاعر معاصر مورد تأییدشان کیست که به بهانهٔ آن بتوان به شعر پرداخت؟

جدای این دربارهٔ شعر می توان گفت جایگاه آن نزد ایرانیان چنان است که از خود شاعر- هر دیدگاهی دربارهٔ سرایندهٔ شعر داشته باشیم-

از شاعر بالاتر می‌نشیند. منفرورتر از یزید در فرهنگ ایرانی کیست؟ بی گمان هیچ‌کس! محبوب‌تر از حافظ در شاعران ما کیست؟ شاید هیچ‌کس! اما همین حافظ، شعری منسوب به یزید را در آغاز دیوان خود می‌آورد یا دست‌کم چنین شایبه‌ای وجود دارد. آیا گردی بر دامان حافظ می‌نشیند؟ نه! از یزید می‌شود نقل کرد و از شاملو نمی‌شود! هوبت ایران با شعر آمیخته است. فرهنگ ایران یعنی شعر. چرا برخی متوجه

این نکتهٔ فارغ از اختلافات سیاسی و ایدئولوژیکی نیستند؟
۲. چنان که خود کیهان نوشتهٔ اتهام جاسوسی مربوط به دوره نوجوانی است و شاملو ۵۷پنجاه و هفت هشت سال بعد از آن هم زندگی کرده و کنش و واکنش داشته است. ضمن این که به خاطر نفرت مردم ایران از روس و انگلیس به هر نیروی خارجی که علیه این بودود گرایش داشتند. تبلیغ آلمان‌ها هم به این دلیل ساده بود که علیه روس و انگلیس بودند و شاعر بارها گفته جان و خام بودیم و مانند او فراوان بودند.

در بلشوی پس از جنگ جهانی اول حتی چهره‌هایی چون سید حسن مدرس هم این گرایش را داشتند و مثلاً در کرمانشاه دولت موقت تشکیل دادند و آلمان ها هم که متحد عثمانی‌ها شده بودند از این دولت حمایت کردند. اعضای این دولت موقت شامل مرحوم مدرس و آقا شریعتی هم بودند و او خود بعدها در مجلس در این باره توضیح داد. (در مجلس چهارم و با اشاره به سلیمان میرزا،

یک فعال نشر عنوان کرد

هشدار درباره ترجمه‌های قلبی

طالقانی سپس بیان کرد: اطلاع‌رسانی درباره کتاب‌های قاچاق کار رسانه‌هاست؛ آن‌ها باید کتابها و ترجمه‌های خوب را به مردم معرفی کنند و به آن‌ها بگویند سال‌ها این نویسنده‌ها و مترجمان زحمت کشیده‌اند تا کتاب خوبی به مردم ارائه بدهند؛ اما فردی می‌آید با تغییر «اسو» به «بود» نام خود را به عنوان مترجم بر روی کتاب می‌گذارد و کتاب‌ها را در کنار خیابان و ایستگاه مترو با ۵۰درصد تخفیف می‌فروشد.

مطمئنم ۹۰ درصد از این مترجمان وجود خارجی هم ندارند و اسم‌شان را الکی بر روی کتاب‌ها می‌گذارند. از این کتاب‌ها در خیابان بر است. او با بیان این‌که فکر نمی‌کند وزارت ارشاد حمایتی از این قاچاقچیان داشته باشد، خاطر‌نشان کرد: اما زمینه را برابری‌شان فراهم می‌کند؛ وقتی کتابی را توقیف و یا ممنوع می‌کند، یا مواردی را که به هیچ‌جا بر نمی‌خورد سانسور می‌کند، بهانه‌ای به دست قاچاقچیان می‌دهد که بگویند کتاب‌های ما سانسور نشده است. بعد هم به همین راحتی کتاب‌های ناشران را به بازار می‌آورد و با قیمت پایین‌تر می‌فروشند. شاید در این چند سال بالای ۱۰۰ میلیارد تومان به نشر ایران ضرر زده‌اند.

مدیر عامل خانه موسیقی عنوان کرد

وعده‌ای برای فارغ‌التحصیلان رشته موسیقی

حد فاصل دولت و حاکمیت با هنرمندان باشیم که این کار را می‌کنیم.

نوربخش با بیان اینکه یکی از دغدغه‌های جدی ما، جوانان فارغ‌التحصیل موسیقی است، گفت: من در هر تربیونی و در هر سخنرانی حتی در جشن سالانه خانه موسیقی این مساله را مطرح کردم. با وزارت آموزش و پرورش صحبت کردم که فارغ التحصیلان موسیقی به عنوان معلم هنر در مدارس مشغول کار و جذب آموزش و پرورش شوند.

او بیان کرد: حتی در کمسیون هنر و معماری شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین در دیدار با مسؤولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی این مساله را مطرح کردم. این مسائل باید در ساز و کار دولت دیده شود.

مدیر عامل خانه موسیقی درباره کمک هزینه‌های تحصیلی به قشر دانشجو نیز اظهار کرد: ما امکاناتی نداریم و باید با سازمان برنامه و بودجه صحبت کنیم و ببینیم در این سازمان چنین امکاتی وجود دارد یا نه اما من تا به حال با چنین موضوعی می‌توانیم حمایت‌های صنفی انجام دهیم. طبیعتاً می‌توانیم

برخی فقها تکفیر نمی‌کنند؟
با ازل که ترانه «من دزد شبرو نیستم، من پهلوان عالم» با صدای علیرضا عصار از تلویزیون پخش شد کیهان که نمی‌دانست شعر از مولاناست، زرد: «بابت دزد شب رونه» و فکر می‌کردند شعر به ساحت مولا علی ع جسارت کرده و البته بعدتر سوء تفاهم رفع شد.

۸. با این منطق ضد منطق لاید از میرزا کوچک جنگلی هم اگر نویسی می‌گویند او تجزیه‌طلب بود و «جمهوری شوروی سوسیالیستی گلپن» تشکیل داده بود در حالی که حین جنگ اول جهانی و پس از آن شیرازهٔ امور از هم پاشیده بود و هر که به فکر منطقه خود بود نه آن که به جدایی بیندیشد. دولت مرکزی مقتدری اساساً وجود نداشت.
۹. کیهان، جوری نوشته عضو حزب توده که انگار جلال آل احمد که این همه او را می‌ستایند و شماری از چهره‌های شاخص دیگر هیچ ارتباطی با توده‌ای‌ها نداشتند.اما همین حزب توده آدمی مثلمرتضی کیوان را هم داشته که همه در مقاومت او متفق القول اعد دوست شاملو هم بوده چرا! اینها را نمی‌گویند؟ چرا اصرار دارند همه را لجن مال کنند؟
۱۰. از کیهانیان می‌توان و باید پرسید جوان امروز با شعر شاملو آشنا باشد بهتر است یا ترانه های مبتذل را زب لب زمزمه کند؟

کتاب پوران فرخزاد درباره شاملو به‌زن را بخوانید تا ببینید چگونه دور از مایه‌های ازوتیک، جنبه‌های انسانی و مادرانه را می‌ستایند.
راشعرا آخر عمر و خصوصا «هر آستانه» نوعی تجدیدنظر درباره دیدگاه او در

متافیزیک دیده می‌شود؛ آنجا که از آیاتی از قرآن بهره می‌گیرد. کافی است خاطرات آیدا را بخوانیم که از هر کتاب دیگری بیشتر به بقای خانواده‌ها و عشق‌ها کمک می‌کند. در روزگاری که فکر و ذکر همه شده پول و پول و پول و شنب و روزز از اقتصاد و مادیات سخن می‌گویم این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای

آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای

آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

این نوشته اما تنها به قصد نکات پیش گفته تحریر نمی‌شود و اصل حرف این است که اصرار بر انتساب شاعر بزرگ ایران به فرح دیبا شاملو این نماد زبانی و فرهنگی را تخریب می‌کنید که کی را و چی را به جای آن معرفی کنید؟ لایدتلوار!

این همه تخریب و تزریق سم نومیدی و ضایع کردن این و آن چقدر به از نقای فرهنگی انجامیده که دست‌بردار نیستید؟

